

صاحب امتیاز
و مدیر مسئول
دکتر اسمعیل
اردلان.

کوشش

نامتلفیقی

بهیچ حزب
دسته یا جمعیتی
بستگی ندارد

تک شماره ۴ ریال

۲ شنبه ۲۵ نبر ماه ۱۳۲۴

سال اول - شماره ۲۱

اگر اد چه میگویند؟

کشتی شکسته فرمانده لشکر کردستان که از چند پیش با اوج سهمگین افکار عمومی سائین این منطقه مصادف شده هر روز ضربت های سخت عدم رضایت مردم را می بیند دیگر تاب مقاومت ندارد.

مدت چند ماه ناخدايان لوج از وزش کترین باد مساعد استفاده کرده این کشتی را دیوار دار در این دریای تلاطم بدون اینکه معلوم باشد « برای چه » نگاهداری کردند.

گاه برای مرمت چند روزی آترا به ساحل آورده مجددا بدریا افتادند باید اینکه شاید در این مدت دریا آرام ویا کشتی پوسیده تعمیر گردد ولی تجارب متعدده نشان داد که این کشتی لیانت شناوری در این دریا را ندارد.

به کرات خطب و خطا های فرمانده لشکر کردستان و ادراستفاعات نام کوهستان منکس کردیم و بدولت و مسئولین امور تذکر دادیم: **توجه و دقت لازم بنمائید** ولی همه را با ساسمه گذرانیده بافتار عمومی توجهی نکردند.

هفته قبل اعلامیه فرمانده لشکر کردستان را که هوس سرگویی عشار مرزی کردستان دارد با دلایلش از نظر خواننده فان گذرانیدیم: تاضای تلگرافی این اشخاص را هم دوج کردیم. این هفته نیز تلگراف دیگری که از آنان رسیده عینا چاپ میکنیم:

مجلس شورای ملی رونوشت وزارت جنگ ریاست ستاد ارتش جناب آقای آصف، جناب آقای سندجی جناب آقای صدرا قاضی جناب آقای اردلان جناب آقای امیرچنگ جناب آقای قبادیان جریده سکوهستان روزنامه اطلاعات با اینکه کاراا جریان نظریات شوم و مرمرز سرتیب هوشند افشاروا خاطر نشان نمودیم متاسفانه در باره رفع تهدید و جلوگیری از سوء نیت و

آشوب گری نسامیرده توجهی از جا با اولیای امور نشده اکنون مشاورانیه شری قصابی و برادر کشتی دارد و برخلاف کاتب اصول انسانیت علیه مردمی بلا دفاع و صلح و متوسل بگلیه و سبال قتاله و معروف ماته تانک ، هو پسا ، توپ مسلسل ، شپاره انداز، زره پوش و غیره شده است.

اینک باز هم با صدای رسا فریاد میزیم در صورتیکه زمامداران و بال این خونهای ناحق را بگردن نگرفته خود را شریک جنایات و تجایع این مامور مستبد نبهتند استعدا داریم با اعزام هشت یازدهی منصفی در اسرع وقت حنائین را روشن از ریختن خون های ناحق ممانعت بعمل آورد.

رئیس مطایفه بهرام بیگی عزیزخان زاده معبود دزلی - رئیس مطایفه مصطفی سلطان حسن رزایی - محمد شریف الهانه اهالی اورامانات - رئیس مطایفه حسن سلطان برزو زاده - محمد شریف - عبدالله قلمچه سلطان زاده - محل اورامان تحت .

خسنا در این هفته تلگرافها و نامه های چندی هم از عدهای از مالکین شهری واصل شده شکایت نموده اند املاکشان را حسن بیگ رزایی ضبط و تصرف نموده و از اولیای امور تقاضای استرداد املاک خود را نموده اند.

این قسم شکایات وسیله ای بدست فرمانده لشکر کردستان داده که بانگاه آن بر اورامان بنزد نا شاید آتش کینه خویش را فرو نشاند . با کمال سهولت میتوان ثابت نمود که این دلسوزی فرمانده لشکر برای استرداد املاک چند مالک شهری نیست این شکایات که شاید بدستور خود حضرت معظم له ۱۱ در این موقع با کمال جدیت و بی تمای تجدد میدیدم خود دوتوبه واضحی از تخصص پرورنده سازی میباشد.

بقیه در صفحه ۸

از سفندج
بنام آقای عباس آزاد پور

فرهنگ در کردستان

دنباله دعوت باصلاح

انتظار هر ملت از فرهنگ بیش از انتظاراتی است که از سایر شئون ملی و حیاتی خود دارد -

حفظ آداب و سنن و زبان هر ملت بسته به معارف بوده و بالا بردن سطح تمدن در سایه تعالیم عالی و تمییم سواد وظیفه مسارف است. لیکن باید اذعان کرد که معارف کردستان در ۲۰ سال اخیر خوب کار نکرد پنی ما را از مدارس و مجامع علمی مانند دارالاحسان و دارالامان و اشخاص ادیب و فاضلی ماته شیخ قادر - ملا علی ترجمانی - حاجی سید حسن چوری - حاجی ملا احمد نودشی مولوی (تی جوژی) - ناری و خطبا و نویسندگان و خطاطانی مانند شیخ محمد نضر المصباح - ملا احمد شیخ الاسلام - شیخ سلام مولک الکلام که آثارشان در مصر چاپ و در عالم اسلام تدریس میشود معروف کرد -

زیرا آمدند و آن مدارس با زیب و فرما را که استادان و سخن وران آن استنساخهای مصر و عراق را با بیع میداده بستند تا بخواهند بجای آن بنای قدیمه ۱۱ ساختمان و تشکیلات اساسی فرهنگی با اصول نوین بسازند اما افسوس چه فکر غیر علمی و چه راه اشتباهی که مامورین ۲۰ ساله یا زبردستی و بنحو احسن طوری در امعاء آثار کردی کوشیده که کتب و اشعار ما را جمع آوری و بنام موزه و غیره بدست انهدام سپردند کتابخانه دکتر سیدستان کردستانی نابود شد و برای همیشه دست بشری از نوسل با آن کوتاه گردید.

جبارها و معاویر عالی و سنگهای مرمر دارالایاله مانا بود شد در حالیکه مشول آثار قدیمه مسارف است. فرهنگ میبایست با شریکداری و جمع آوری آثار مشاهیر کرد کتابخانه تهیه میکرد زیرا امروز برای مطالعه آن نوشته ها باید بکتابخانه های اروپا و امریکا مراجعه کرد یا از سفرنامه های مستشرقین استفاده نمود. بانایشهای پسهای خارج از تراکت و خنک طبقه روحانی و علمای دین ما را آزرده کردند خوب بیاد دارم در سال ۱۳۱۶ با نایش یک مجلس هند و نکاح شرکت کتنه گان خدای نخواست حکم ۰۰۰ قرائت نودند.

وقتی خاطره های مدارج علمی و مجالس مشاطره مرحوم مفتی را در مجلس ناصرالدین شاه بفر میآوم وقتی مجلس علمی مرحوم ملا لطف الله شیخ الاسلام مندر و مسارف تا توفیق کرد رادر نظر مجلس میسازم با اطمینان کامل تمدین میکنم که مسارف شیای مفسر است بقیه در صفحه ۳

اخبار داخه

اخبار شهرستانها

کرمانشاه

۱- وضع پست بسیار بد است نامه ها خیلی دیر میرسنه.
 ۲- آقای آشتیانی از طرف هیئت اقتصادی برای تشکیل سازمان اداره - انستانت کرمانشاه چند روز است وارد شده اند.
 ۳- وضع نان شهر خوب شده است
 ۴- نظرات شهر بسیار خراب و آب بنسبت غیر عادلانه بین محلات تقسیم می شود.
 ۵- برق شهر با وجود اینکه قوی است ولی فقط روی نظرهای عمومی به اشخاص داده میشود.

در بیان اخبار خیرنگار ما در اطراف عملیات آقای صالحی تعیناتی نموده بطور خلاصه اینطور گزارش میدهند که - االی کرمانشاه از ایشان رضایت دارند و از عملیات جیره بندی عدم رضایت ندارند و اساساً خیلی ها ایشانرا از بعضی نسبت ها مبری میدانند

کوهستان - امیدواریم اینطور باشد در این صورت شکایتی که از آنست میرسد و مضایبی را که عدم زبانی از خودندگان کرمانشاه با ما میوسد به چه باید حمل نمود ؟

بوکان

۱- آقای بزدی زاده از رضاییه برای از دیدن و بازرسی پست بوکان وارد پس از چند روز توقف از خطه میانه و اوب مراجعت نمودند .
 ۲- امنیت منطقه بوکان رضایت بخش

وضع دولت

باز هم در آن هفته تکلیف دولت معلوم نگردید تا تو آنوقت بن بایدگانا شریعت و اعلیت حاصل نشد .

فرماندار نظامی راهها

آقای سرمنگ بداهه اعظم زنکته پست فرماندار نظامی راههای همدان تا خسروی بکرمانشاه وارد و مشغول رسیدگی باور شده اند

رئیس پست و تلگراف کرمانشاه

آقای علامی مدافعی رئیس پست و تلگراف کرمانشاه بر سر کمر متبل و بجای ایشان آقای حیدر محبت پور انتخاب شده اند

بخشدار سیه چشمه

آقای کاظم ملکوتی پست بخشداری سیه چشمه (قره عینی) انتخاب شده اند

اتوبوس در صحن مجلس

دو وسیله شنبه موقعیکه قرار بود صحنه تشکیل شود و عدم زبانی از نمایندگان در تالار های مجلس حضور یافته بودند صدای بوق و گاز تند اتومبیلی در صحن مجلس عدم ای را مضطرب نموده معلوم شد راننده اتوبوسی که از حرف نشوئی و کلا بشک آمده بوده با اتوبوس خود وارد صحن مجلس شده و خواسته است با صدای بوق شاید و کلا را متوجه سازد که پنبه از دوش خود بدون آورده و توری متوجه اوضاع کردند اگر بجای یک اتوبوس صد اتوبوس هم بیجلس برو پنبه در گوش آقایان محکمتر خواهد شد

روزنامه محترم کوهستان

چون اخیراً در آن روزنامه مطالبی واجه بدتالیات افسران مخصوصاً تیسار سرتسکر ارتع در حزب نهضت ملی ایران درج شده خواهشمند است مقرر فرمائید مطابق قانون مطبوعات شرح زیر را نیز درج نمایند .

حزب نهضت ملی ایران رسا اعلام مینماید که در این حزب حتی یککنفر افسر عضویت ندارد و از او ردی که در حزب - مندرجات روزنامه رسانیز ایران بنام این حزب منتشر شده بی اطلاع میباشد و چنان که بکرات گفته و نوشته شده این حزب هیچ مامی بستگی ندارد .

دیرکل نهضت ملی کوهستان - راجع بدخالت تیسار سرتسکر ارتع در حزب نهضت ملی تا کون در نامه کوهستان چیزی نوشته نشده میباشد عین نامه وارده فوق درج گردیده .

میشاد

۳- مدتی است مردم از بازار آزاد کدم خریداری نموده بشیریز حمل مینمایند قیمت کدم آزاد در وکان مرتن بکاهد و هشت تومان است و در تبریز در حدود ۳۳۰ تومان بفروش میرسد

مهاباد

۱- سفترانی های اخلاقی و دینی جالت توجه از طرف علماء و معه و مراجعین ملا حسین مجیدی در مسجد بازار امر قرار و اصابع دینی ایشان مورد استعمال نمایان مردم واقع گردیده است .

۲- وضع شهرداری بعلت نبودن اعتبارات خراب و شهر مملو از زباله و کثافات است .

۳- راه نومه بین میانداوب و مهاباد که تحت نظر آقای کریم با زدی

از مشترکین محترم تقاضا میشود از لحاظ کمک به نظم و ترتیب توزیع اگر روزنامه شان نرسید لطفاً ما را مطلع سازند زیرا هر هفته مرتباً روزنامه به آدرس کلیه مشترکین به پست داده میشود .

دعوی کوری است از حیث امنیت رضایت بخش است .

۴- جلسات انجمن روابط فرهنگی سفترانیهای خود را روزهای ۵ شنبه مرتباً ادامه میدهد .

سفر

۱- شنبه بانگلی در ساز تاسیس شده ولی هنوز برای مراجعین حساب باز نشده است .

۳- طبقه سویت نامه هیئت وزیران بخش سفر شهرستان تبدیل و این امر موجبات رضایت عمومی را فراهم نموده است از طرف اهالی تلگرافهای تشکری هم مغایره شده است .

وقایع آرارات

-۷-

ناستان سبی شده . ایلات به قتلان های خود مراجعت کردند شیخ عبدالقادر نیز که هجنان در اطاعت دولت بود در دعوات خود که در جنوب غربی آرارات واقع شده بود سکونت اختیار کرده خانو ده اش نیز از ازمیر آزاد شده نزد او آمده بودند .

عدم ای از ایل حعه صوری هم ده خرابه «کالی کورک» واقع در پشت شطرحمدی «آرارات - ترکیه» و در منطقه نفوذ دولت ترکیه را آباد و در آن اقامت گردیدند .

کالی کورک از اعلاظ موقعیت برای ملاقات ها بسیار مناسب بود چند روز پس از آباد شدن ملاقات دوستانه ای در این محل بین روسای آرارات و فرمانده و افسران یادگان بازرید بعمل آمد .

کدخدای ده حید اساعیل از واردین پذیرائی شایانی نموده این ملاقات در محیط دوستانه ای برگزار شده از آن چند قطعه عکس که روسای طرفین باهم برداشته بودند بیاد دارم .

چندی بعد بنا به پیشنهاد حکومت بازرید ، روسای آرارات بسا مشارالیه هم ملاقاتی در پشت کالی کورک بعمل آوردند .

در این ملاقات - تا کم بازرید چند نفر از روسای طوایف اگراد را که مطیع دولت بودند همراه داشت یکی از آنان تیمور کسکومی شن صحبت در مجلس که روسای آرارات حضور داشتند برای خوش

آیند تا کم خود را « ترک پسر ترک» معرفی کرد اظهار تیمور بروسی اگراد گران آمده از آن میان بروی حکمی بانو نرسدی و حنارت گمت : « تداوند ترا با برادرانت » بشور گرداند .

ملاقات در چنین معیبهی برآردار شد و تصادفا در زمان همان سال هم در جنگی که بین اگراد و قشون ترک روی داد تنش تیمور را در کنار تنش افسری ترک بکجا در کودالی یافتند چند روز پس از ملاقات وقایعی روی داد . که معلوم ساخت این ملاقات برای افسل روسای آرارات بوده است .

•••

یک صبح بااز بود . هوا بیاد سحرگاهان بهار شب تم های خود را اشار زمین کرده چمن های بزمرد آنهارا مانند نظرات درشت مروارید اشک از روی گونه های زرد قام خود به پایین می غلطانیدند اشمه آفتاب ؛ ده تارک شب را دریده بر فراز ابرها تایید تازه طلبیه روشنی را بر زمین منکس ساشه بود که چند تیر تک دو نزدیک خط سرحدی (کرد ترک) بلند و متعاقب آن شایک مسایل هابگوش رسید . طوای نشید که ممر فرماندهی کرد « کرد » که نزدیکترین نقطه مسکونی آرارات به دشمن بود و بیش از سه کیلومتر از سرحد فاصله نه ات هدف ذلوله های توپ قرار گرفت .

ترکها ایش عهد کرده با مصطلاح خودشان کرده را غافلگیر نموده بودند . حدیث ابراینگه غافلگیر هم شده بودند زیرا در این موقع قسمت زیاد قوای آرارات در داخل خاک ترکیه مشغول انجام مانوربت های معوله بودند .

بلم آقای حسن قزلبی

از یوکان

در اطراف مقاله «تاریخچه نگارش بزبان کردی»

آقای مدیر محترم نامه کوهستان چون موضوع عرض بنده راجع بیکمی از مباحث تاریخ ادبیات کردی است خواهش نمودم با درج آن در یکی از صفحات آن جریده شریفه قریباً منتهای فرمایند تا از خواستگان محترم دفع اشتباه شده و اگر حق را بدست نیاوریم اقلاً حتی را هم از دست ندهیم.

در پایان مسأله «تاریخچه نگارش بزبان کردی» مندرجه در صفحه ۶ شماره ۱۷ کوهستان نوشته شده «آنچه مانع تشویر و پیشرفت انتشار نگارش کردی است بیشتر تفاوت لغات و مصطلحات ناشی از اختلاف نظام و املات کردها است که اخیراً همه از ادبانه ذومعدت تسبیح لغات برآمده اند و شاید بتوانند مندرجه این اشکال را مرتفع نمایند» دیدن این جمله بینهایت بنده را متأسر کرد زیرا با انتظار فراوانی که ادبیات کردی از مستشرقین داشته و امید و چندشادانی از مقام علمی و تفاوت بیطرفانه و تعین و کجنگاری دقیق آنان دارد و مزاول و شایسته مقام دانش آقای مطران. لودنای بود کم مرتعی کرده از اظهار یک حقیقت که قطعا در عالم ادبیات کردی تاثیر بسزایی می داشت و یک خاطره فراموش نشدنی بشمار میرفت دروغ فرماید چون علت پیشرفت نگرهان انتشارات و مطبوعات کردی فقط فشار بیحد و حصر مستبدین بود که دست زور و ستم را بر دهان نویسنده گان و ادبای کرد گذاشته است در بعضی نقاط بهیچ نحوی ولو به قیمت جان نیز فرست با پاشان نداده اند در راه ترقی ادبیات خود یکقدم بردارند.

من نیکویم زبان کردی با آخرین درجه کمال رسیده بلکه اقرار دارم ترقی آن دارد هست باید مندرجه مرتفع شود ولی نواقصش در برابر وسعت و صحت اشتقاقیات و کثرت لغات به یک روی آرایش مایل آن بسیار ناچیز بوده و بهیچ نحوی نویسنده گان را از نگارش هیچ قسم مطالب باز نیدارد.

مجله (دنگی کیتی تازه) که بزبان کردی در زمینه مباحث مجله شیور که به اغلب زبانهای آسیایی و اروپایی منتشر میشود چه وقت از ادبای مطلب بازمانده و زبان سکری از نوشتن آن کوتاه آمده.

همان تعینات شکفت آورد ادبیات کردی در یک مدت کسی که آقای مستشرق محترم در مقدمه مقاله اش اشاره فرموده با آنهمه مانع و رادع و سنگبیهی استناد خود بزرگترین دلیل وسعت و وسای زبان کردی است.

انتظار برای قوم کردها همین بس که آنهمه مصائب و حوادث و پراکنده گی و جور و فشار طاقت فرسا را با بی امیدگی تانی کرده و سپهر تکاملی خود را ادامه داده مخصوصاً شرای کرد در این اواخر علمی و رقم هر محدود بیکه در پیش داشته اند دست بیک انقلاب بزرگ ادبی زده بکلی سبک و شیوه ادبیات را تغییر داده بیک شکل حماسی و ملی در آورده قوم خود را برای ملی راه ترقی و تمالی تهییج کرده اند.

کسیکه آثار ادبای دوره اخیر کرد را مطالعه کند بیک روح بسیار قوی بر میخورد که مغلوب و منکوب دست روزگار نشده سهل است بسی قویتر گشته مثلث میشود که با توجه باحوال و اوضاع سیاسی و اقتصادی و موقعیت های جغرافیایی کردستان ادبای کرد در حدود خودشان از حماسه - سربازان و مهبجین ملل راقیه دست سگم ندارند.

اگر پایان شب سه طبعی باشد و عالم بشریت موفق شود یکمئل اجتماعی و دموکراسی حقیقی برقرار کند و قوم کرد نیز در قسمت فرهنگ و مطبوعات آزادی داشته باشد آنگاه قدر و قیمت این زبان آشکار شده و معلوم میشود که علت عدم پیشرفت زبان کردی تنها تضییق و فشار است نفس و نارسائی.

فرهنگ و کردستان

بته از صفحه ۱

برای آنکه مرتجع شناخته نشوم آرزوی اقتدار روحانیون قرون گذشته را ندارم لیکن خوب میدانم تعبیر سبک فرهنگ از قدیم بجهت باید یا سواب مصر و بیرون باشد.

جای تأسیس کودکان و تعلیمات اجباری بزبان زاد بومی هر گاه کسی در مدرسه کردی حرف میزد تشبیه میشد و منوعیت های شدیدی برای فراموشی زبان مادری باو تحمیل میکردید این قبیل فشارها بکودک ۷ ساله اسم مدرسه و معلم را در نظرش گرا تر از اشباح خیالی مجسم می ساخت.

آری زبان رسمی کشور فارسی است بدون پیرایه سیاسی باید دانست که در عراق یا چین قبل از حری و انگلیسی زبان سکری و چن تدریس میشود یاد و نویس ۳ زبان آلمانی - فرانسوی - ایتالیایی - رسماً تدریس میکردند - این تذکر و انتقاد برای چاره جوئی و راه اصلاح ملی است - زیرا تقریباً که از محیط تربیت دایه یک فضای غیر مانوس منتهی میکرد قسمت عمده معصیان را از درس گریزان و نتیجه لغات ندادن و آموزش و بیسوادی فکلی دعوات و شهرهای کردستان را در بر خواهد داشت چنانچه باین مشکلات نواقص خط فارسی بشیب حری را بدان میزنایم باین نتیجه می رسیم که آنهاییکه بوسیله لاله با دردهات بزور مأمورین امنیه اطلاعاتشان ب مدرسه میرفت با سواد میشدند اینها و هزاران عوامل دیگر است که اغلب طبقات را از درس محروم و بالاخره بهمان اسلوب باستانی تحصیل خاص طبقات ممتاز بود مثل اینکه امروز می بینیم عموم دکتورها - لیسانسه ها - دیپلمه ها همگی از اولادان متولونی میباشند که پدران شان یا کیک لاله معلم مخصوص - تهیه و مسائل گران قیمت و پیشاهنگی و ورزش و غیره و تجربه احترام پسران خود بشهر های دیگر و فرهنگ قادر بتعلیم کافی اولادان خود شده اند بنا بر اصل مسلم فوق شایعات آتی ادای اجناسی روی غاس یک طبقه و اسلاف آنان خواهد بود.

از طرف دیگر معارف که شاخص هنر های زیبای است تاکنون چه وقت از صنعتگران ظریف کار نجاری - قالی بافی و غیره ما تشویشی بیمل آورد تاکنون کسی از علمای دینی یا ادبای ماقدرانی کرد و یا باجانب آثار آنان همت گماشت امروز فضل و نویسندگان ما در کج خانه یا اوراق نالیده خود سرگرم هستند اسکنون در کردستان با طول و عرض ۵۰۰ و ۲۲۰ کیلومتر تقریب وجود ۴۰۰ دیرستان ناقص ۹ و ۱۱ کلاسی و ۴۳ دیرستان در شهر و ده با آن اسلوب و چند ماه تعطیل در سال مردم را با سواد نخواهد کرد دلیلی ندارد شهر های معیار دارای چند دیرستان کامل و دانشراها باشند و حال آنکه سندح فقط دارای ۲ بنای کهنه معارف دولتی بوده و ساختن دیرستانی آن ناتمام از سال ۱۳۲۱ اتمام غله لشکر گردد در صورتیکه در دیای متشدن بهر نفعه تجاویز بشود اینهمه معارفی از اشتغال معصون بوده و مورد احترام است چه خوب بود وزارت فرهنگ بنام عدالت و مساوات در بین افراد کشور بجای دبستانهای حافظ و سمعی تهران اتلا از زمینهای زان کردستان خریداری و صاحبان خانه های اجاره فرهنگ و ارزش نگهیداشت و نیگداشت چهل معصل بیچاره سز دوسال ۱۳۰۶

زیر آوارمانده و برای همیشه چشم از تحصیل ببوشند - در نام گذاری مدارس رعایت تقدم اسم مشاهیر کرد را بسیار نامهای فکلی معقول میکرد زیرا موسسات فرهنگی بنام بزرگان معرفت زیباتر است مثلا چه عیب دارد دبیرستان دخترانه ستهج را بنام مستوره شاهره شهر سکرد بنامند یا دبیرستانهای پسرانه کردستان و سفر را بنام های

هلوخان - اردلان - یاناری - و مولوی - مصباح و ملک الکلام می نامیدند در کردستان مدارس ملی وجود ندارد زیرا مردم ناظر و بیرو اقدامات دولت میباشند -

هر گاه بندر کلیسی ها در آزادی خط و زبان آزاد نباشند در جاییکه دولت که وظیفه اش تعدیل و تقسیم بودجه معارفی بطور منصفانه و تساوی در کشور میباشد در بین نواحی بندر کلی معصل ۱۱ عدم استیبال مردم از معارف ۱۱ از توسعه موسسات فرهنگی به چاه اجرای تصمیمات شورای عالی معارف خودداری کند به انتظاراتی را باید از مردم داشت.

بقیه در صفحه ۸

چاپخانه وزارت کشاورزی

تلفن ۴۷۸۷

بانوان کرد همدوش برادران خود

عظمت باستانی کرد را باز می‌سنجند

در شماره ۱۶ ماه کوهستان یک بانوی کرد با قلمی ساده و مبرا از هر گونه آرایش و ظاهرسازی فستی از مکتوبات قلمی خود را درباره همای از برادران خود رشته تحریر در آورده بود.

چند نفر از برادران مهابادی ما نامه عالی حاکی از تقدردانی و ستایش نگاشته ضمن تمناهای دوح یاداره روزنامه ارسال داشته بودند ولی با اجازه خود نگارنده گان محترم ذیلا خلاصه ای از هر یک از این نامه‌ها را از نظر خواننده گان می‌گذرانیم.

۱- آقای صدیق حیدری می‌نویسند: در شماره ۱۶ آن روزنامه دو موضوع ضدو نقیض که یکی از احساسات پنهانیت عالی تراوش یافته و دیگری از دانات و خست ذاتی سرچشمه گرفته بود بیشتر از سایر مطالب نامه گرامی توجه را جلب نمود اولی عبارت از نوشتن بکنکریانوی کرد در موضوع مهاباد و تعیین از برادران این سامان که خاطر هر خواننده را ملو از حس احترام و تندی بر از ضمیر پاک و فکر تابناک این خواهر مهربان می‌ناید تومی درخواست قطع ارسال روزنامه از طرف شش نفر برادران سنجی بملت نظریات عمومی است که مجددا هر ریشه را بیاد دوره دیکتاتوری و بیست سال تازی و ظلم و ستم می‌اندازد و میرساند که تا پایان درخواست کنندگان از مبارزه ای که برای حفظ حق و تحصیل آزادی عظیمه در دنیای امروز آغاز گردیده می‌بهره بوده و میخوانند همچنان دوح زورگویی و حق‌کشی بر این برادران ستم‌پذیر حکم فرما باشند...

تادروز کرد و تراغ اش از هر چیز قاجاق تر بود امروزه شویاری و بیداریشان از مرحله مردان با فراتر نهاده و زنان و دختران را هم از مادیات حیثیت آنگاه ساخته است چنانچه مقاله بانوی کرد نشانه ماوری از آن است.

اینجانب که هست ساینده کی نامه کوهستان را دارم حس احترام و تندی بر می پایان جامعه کرده انادی را به پیشگاه خواهر عزیز نگارنده مقاله دیدم دانته از خداوند متعال موافقت چنین خواهرامی را خواستارم که با فکر توانا و ضمیر دانا فرزندان لایق به جامعه کرد ایرانی بدهیم نمانند و هادی شاه راه حقیقت‌سپس آینه باشند.

۲- آقای ح. م. آمو می‌نویسند: در شماره ۱۶ آن روزنامه دو موضوع ضدو نقیض که یکی از احساسات پنهانیت عالی تراوش یافته و دیگری از دانات و خست ذاتی سرچشمه گرفته بود بیشتر از سایر مطالب نامه گرامی توجه را جلب نمود اولی عبارت از نوشتن بکنکریانوی کرد در موضوع مهاباد و تعیین از برادران این سامان که خاطر هر خواننده را ملو از حس احترام و تندی بر از ضمیر پاک و فکر تابناک این خواهر مهربان می‌ناید تومی درخواست قطع ارسال روزنامه از طرف شش نفر برادران سنجی بملت نظریات عمومی است که مجددا هر ریشه را بیاد دوره دیکتاتوری و بیست سال تازی و ظلم و ستم می‌اندازد و میرساند که تا پایان درخواست کنندگان از مبارزه ای که برای حفظ حق و تحصیل آزادی عظیمه در دنیای امروز آغاز گردیده می‌بهره بوده و میخوانند همچنان دوح زورگویی و حق‌کشی بر این برادران ستم‌پذیر حکم فرما باشند...

تادروز کرد و تراغ اش از هر چیز قاجاق تر بود امروزه شویاری و بیداریشان از مرحله مردان با فراتر نهاده و زنان و دختران را هم از مادیات حیثیت آنگاه ساخته است چنانچه مقاله بانوی کرد نشانه ماوری از آن است.

اینجانب که هست ساینده کی نامه کوهستان را دارم حس احترام و تندی بر می پایان جامعه کرده انادی را به پیشگاه خواهر عزیز نگارنده مقاله دیدم دانته از خداوند متعال موافقت چنین خواهرامی را خواستارم که با فکر توانا و ضمیر دانا فرزندان لایق به جامعه کرد ایرانی بدهیم نمانند و هادی شاه راه حقیقت‌سپس آینه باشند.

۳- آقای عبدالله نهری می‌نویسند: ای خواننده عزیز، ماده پشیمتیه کردستان بر من معلوم شد که شایسته یک وی آرایش مادر کرد را خوانده و در آغوش مادر آبرومند مسکند پرورش یافته اید از خدای متعال و توانا خواستارم عما نیز شیر پاک کرد را به فرزندان دانش‌نویسان پرورش دهید.

۴- آقای م. یوق می‌نویسند: ولی انتشار نامه ملی کوهستان موافقت را به و مربوطی را برای هوشیاران خود آماده و وسیله مبارزه با ارتجاع رانمیا نموده که همیشه عزیزم بانام حساس پر منی خود بوسیله این رابطه مقدس آمال ورود آمیز خود را با عالی مهاباد رساند و از یکسانی آنها انتظار نداشته و سایرین را بر بانهاد و وحدت تریب فرموده اند.

۵- آقای م. یوق می‌نویسند: ولی انتشار نامه ملی کوهستان موافقت را به و مربوطی را برای هوشیاران خود آماده و وسیله مبارزه با ارتجاع رانمیا نموده که همیشه عزیزم بانام حساس پر منی خود بوسیله این رابطه مقدس آمال ورود آمیز خود را با عالی مهاباد رساند و از یکسانی آنها انتظار نداشته و سایرین را بر بانهاد و وحدت تریب فرموده اند.

۶- آقای ح. م. آمو می‌نویسند: در شماره ۱۶ آن روزنامه دو موضوع ضدو نقیض که یکی از احساسات پنهانیت عالی تراوش یافته و دیگری از دانات و خست ذاتی سرچشمه گرفته بود بیشتر از سایر مطالب نامه گرامی توجه را جلب نمود اولی عبارت از نوشتن بکنکریانوی کرد در موضوع مهاباد و تعیین از برادران این سامان که خاطر هر خواننده را ملو از حس احترام و تندی بر از ضمیر پاک و فکر تابناک این خواهر مهربان می‌ناید تومی درخواست قطع ارسال روزنامه از طرف شش نفر برادران سنجی بملت نظریات عمومی است که مجددا هر ریشه را بیاد دوره دیکتاتوری و بیست سال تازی و ظلم و ستم می‌اندازد و میرساند که تا پایان درخواست کنندگان از مبارزه ای که برای حفظ حق و تحصیل آزادی عظیمه در دنیای امروز آغاز گردیده می‌بهره بوده و میخوانند همچنان دوح زورگویی و حق‌کشی بر این برادران ستم‌پذیر حکم فرما باشند...

تادروز کرد و تراغ اش از هر چیز قاجاق تر بود امروزه شویاری و بیداریشان از مرحله مردان با فراتر نهاده و زنان و دختران را هم از مادیات حیثیت آنگاه ساخته است چنانچه مقاله بانوی کرد نشانه ماوری از آن است.

اینجانب که هست ساینده کی نامه کوهستان را دارم حس احترام و تندی بر می پایان جامعه کرده انادی را به پیشگاه خواهر عزیز نگارنده مقاله دیدم دانته از خداوند متعال موافقت چنین خواهرامی را خواستارم که با فکر توانا و ضمیر دانا فرزندان لایق به جامعه کرد ایرانی بدهیم نمانند و هادی شاه راه حقیقت‌سپس آینه باشند.

۷- آقای ح. م. آمو می‌نویسند: در شماره ۱۶ آن روزنامه دو موضوع ضدو نقیض که یکی از احساسات پنهانیت عالی تراوش یافته و دیگری از دانات و خست ذاتی سرچشمه گرفته بود بیشتر از سایر مطالب نامه گرامی توجه را جلب نمود اولی عبارت از نوشتن بکنکریانوی کرد در موضوع مهاباد و تعیین از برادران این سامان که خاطر هر خواننده را ملو از حس احترام و تندی بر از ضمیر پاک و فکر تابناک این خواهر مهربان می‌ناید تومی درخواست قطع ارسال روزنامه از طرف شش نفر برادران سنجی بملت نظریات عمومی است که مجددا هر ریشه را بیاد دوره دیکتاتوری و بیست سال تازی و ظلم و ستم می‌اندازد و میرساند که تا پایان درخواست کنندگان از مبارزه ای که برای حفظ حق و تحصیل آزادی عظیمه در دنیای امروز آغاز گردیده می‌بهره بوده و میخوانند همچنان دوح زورگویی و حق‌کشی بر این برادران ستم‌پذیر حکم فرما باشند...

تادروز کرد و تراغ اش از هر چیز قاجاق تر بود امروزه شویاری و بیداریشان از مرحله مردان با فراتر نهاده و زنان و دختران را هم از مادیات حیثیت آنگاه ساخته است چنانچه مقاله بانوی کرد نشانه ماوری از آن است.

اینجانب که هست ساینده کی نامه کوهستان را دارم حس احترام و تندی بر می پایان جامعه کرده انادی را به پیشگاه خواهر عزیز نگارنده مقاله دیدم دانته از خداوند متعال موافقت چنین خواهرامی را خواستارم که با فکر توانا و ضمیر دانا فرزندان لایق به جامعه کرد ایرانی بدهیم نمانند و هادی شاه راه حقیقت‌سپس آینه باشند.

۸- آقای ح. م. آمو می‌نویسند: در شماره ۱۶ آن روزنامه دو موضوع ضدو نقیض که یکی از احساسات پنهانیت عالی تراوش یافته و دیگری از دانات و خست ذاتی سرچشمه گرفته بود بیشتر از سایر مطالب نامه گرامی توجه را جلب نمود اولی عبارت از نوشتن بکنکریانوی کرد در موضوع مهاباد و تعیین از برادران این سامان که خاطر هر خواننده را ملو از حس احترام و تندی بر از ضمیر پاک و فکر تابناک این خواهر مهربان می‌ناید تومی درخواست قطع ارسال روزنامه از طرف شش نفر برادران سنجی بملت نظریات عمومی است که مجددا هر ریشه را بیاد دوره دیکتاتوری و بیست سال تازی و ظلم و ستم می‌اندازد و میرساند که تا پایان درخواست کنندگان از مبارزه ای که برای حفظ حق و تحصیل آزادی عظیمه در دنیای امروز آغاز گردیده می‌بهره بوده و میخوانند همچنان دوح زورگویی و حق‌کشی بر این برادران ستم‌پذیر حکم فرما باشند...

تادروز کرد و تراغ اش از هر چیز قاجاق تر بود امروزه شویاری و بیداریشان از مرحله مردان با فراتر نهاده و زنان و دختران را هم از مادیات حیثیت آنگاه ساخته است چنانچه مقاله بانوی کرد نشانه ماوری از آن است.

اینجانب که هست ساینده کی نامه کوهستان را دارم حس احترام و تندی بر می پایان جامعه کرده انادی را به پیشگاه خواهر عزیز نگارنده مقاله دیدم دانته از خداوند متعال موافقت چنین خواهرامی را خواستارم که با فکر توانا و ضمیر دانا فرزندان لایق به جامعه کرد ایرانی بدهیم نمانند و هادی شاه راه حقیقت‌سپس آینه باشند.

جمع مونت قاسی بهتر از جمع مذکر سماعی

خواهشمندیم با دوح این نامه و بدیرتن وجه ضمیمه آن ما را سادری قبول کنید.

شما آن فرزند رشید و دلبری هستید که برای دفاع از حقوق خفه مادران و خواهران و برادران خود غم علم کرده دست زور دویان و متدبان را میخوانید از جان و مال جامعه کرد کوتاه کنید. نامه شما حربه قاطعی است صکه بر سرخاتین و قلدرهای بی عاطفه و بی وجدان کشور و دزدان بی شرم و روی دلت کرد آمده و آنها را منگوب و سرنگون خواهد ساخت آری باید همینطور باشد. ملت نجیب ایران و قوم بیخود کرد در نتیجه رفتار اسکوهیده و خوی زشت و اعمال ناسنجیده همین خاتین عظمت باستانی خود را از دست داده و تنها با کوتاه کردن دست آنها از بقه کشور باز بسادت و خوشبختی خواهیم رسید.

نامه شما آه و ناله است. فریاد و استغاثه ماست دود سیاه سینه های یربان ماست که از قلم شما ر صفحه کوهستان تراوش می‌کنند. شما از برادران و خواهران و مادران دور بوده و میدانید چه فشارها و جورها، چه ستمها و بیرحمیا بر مارتنه و چیکو هستی ما، جان ما، حیثیت ما خدای دوشیم استبداد کرده و حقوق خفه ما پایمال گشته. میدانیم آینه قلب پاک شما از اطمینان حال زار و خاطرات حزن انگیز ما غافل بوده ولی مسلم و بتین آنجا دیده شنیده اید هر قدر هم فراوان باشد باز کسی از بیش و گاهی از کوهی است.

برادر رشید، زنان و دختران کرد، مادران و خواهران شما هستند شمارا که سرخمدت و حفظ و حراست حیثیت ایشان داره بد برزندگی و برادری خود بدیرتنه و به مادر بلکنه پایه و دلبر شما آخرین میگویند.

فرزند خیروما، ناموس و شرافت ما بسته به هت و مردانگی شاست. آه و ناله ما باید شمارا برادران را تبعید کند و به محبت آورد و معطن سازد صکه دیگر پشت گوز و لیس سفید ما تاب و توانالی و تحمل بار جور و ستم را ندارد. بدانید ما هم بشر هستیم و باید از حقوق اجتماعی و بشریت بهره مند شویم. بنویسید و بگوئید تا بعضی از فرزندان بیثیت و قلم مانند، اشرف - حضرت افند - علی اسفر - و غیره ستمدگی و هطاهات جبر و روجیم زاده و احالی کنید کیستند و خنده شان چیست.

به شما گفته اند نظر های خصوصی دارید پنی مادران و خواهران خود علاقه هستید و از حقوق آنان دفاع میکنید آخرین برشا و بر نظره های خصوصی شما، سنگ را آنها پاکه. باینه مادرو حواهر ایشان نیستند.

ما سه نفر مادران شما مبلغ بکجهزاره دویست ریال وجه اشتراک آنها را فرستادیم که بایشان مسترد دانند و آنها بگویند شیر مادران کرد فرزندان حلال است که در راه حیثیت ایشان میان خالک و خون بظلمند و باز هم بگویند بکوشند بلکه جاهه ما را پوشند و بجای آنها شش شماره کوهسان معسوب را به شش نفر از مردان رشید مادر هر جا قبل داوبه فرستید که بخواند وظیفه شان زنده اند از بوکان:

شرافت غفوری - نصرت کریمی - حبیب رسولی

امتحان و تودیع

در این مدت که اینجانب برای استعدای معدود ناموس کتبخانه دوره و تنویه محاسبات طهران آمده از اظهار لطف آمایان ارباب رجوع همواره آن مدیر معترم خصوصاً منسکر مملت خدمت فرصت بدین وسیله تودیع و نسبت با احساسات و جوانمردی آقای جمکرایی از طرف خود و اهالی سفر با هم نیک سپاسگذاری مینمایم.

نماینده نامه کوهستان در سفر - تیمورزاده

کوهستان - حساب زادی کرد

برشاس و هام ایران است. جوانمردی - غیرت - حیثیت - حقیقت - راستگویی - شجاعت و دیگر صفات ممتازه کرد تنها در مردان کرد بودیه گذارده شده بلکه در آن کرد نیز در حفظ این اوصاف خود دست کم از مردان نیدانند. معاملات ظنی هم ثابت بوده است که اینگونه حواس انسانی در زن و مرد بطور تساوی بوده که آنکه توابع زنان کرد این مسئله را ثابت نموده است.

برای ممدان ذیلا نامه ای از سوی کرد. ساکن بوکان از نظر خواننده دان خواهد گذشت تا معلوم شود جوانمردی و غیرت منحصر مردان نیست و در شماره آینه نیز مقاله ای را که یک دوشیزه کرد از یکی از دعوات اطراف مهاباد ارسال داشته دوح خواهیم بود.

علم آبی محمد رود (آبشاه کردستانی)

۲۹۰

کرد و کردستان

انتقال پادشاهی ماد پارس

پارسها در وطن خود یعنی سواحلی خلیج پارس از بدر ورود یا تجار طایق دولت دهرودت ها با بزراعت و کله داری اشتغال داشته اند که مستقل زندگی کرده اند ولی اکثر پادشاهان دولت پیشدادی بودند و با پادشاهان دولت کرد بودند که هم تحت اطاعت کله با آشور بوده اند که هیچوقت از خاک خود تجاوز نکرده اند مگر هخامنشی سرسلطه سلاطین هخامنشی که بر پارس و عیلام پادشاهی کرده است و قلمرو خود را تا فلسطین توسعه داده است. امام اسرار پادشاهان هخامنشی با اینکه بر عیلام هم حکمران بوده اند ولی غالباً تحت اطاعت پادشاهان بابل یا پادشاهان سکندر و آشور بوده اند آخرین پادشاهان سکندر که در عیلام و پارس حکم فرموده «کابوزیا» پدر کوروش کبیر است. جهت اینکه مورخین کله کوروش کبیر را هنگام خروج بر شاه «ماد» پادشاه پارس می نویسند و گاهی پادشاه عیلام همین است که بر هر دو کشور حکمران شده است (رجوع به صفحه ۶۰۰)

ایران قدیم تالیف مرحوم میرزا یحیی بهر حال استقلال حکومت پارس از کوروش کبیر شروع میشود و پیش از آن داری

استقلال بوده اند. رجوع بکتاب تواریخ ایام فصل ۳۶ آ ۲ بیستم.

«پادشاهی کوروش کبیر» پس از اینکه دولت ماد از برتو اقدامات گواکسارد و واخشانرا بمرحله شوکت و اقتدار رسیده بنا بر این در زمان پادشاهی «آزدبک» کسی باقی نبود که دولت ماد را جنبش دهد حکومت پارس و عیلام هم دست نشانده خود دولت ماد بود. بزرگان و برجستگان ماد از برتو قدرت دولت و آسایش عمومی نروتن و مکتب زیاد رسیده، در نیاز و نیت نبرد رفته بودند. فراغت خاطر و فرط آسایش و بیساکگی از مردم هم سبب خشونت اخلاق پادشاه شده کم کم مقام شخصی پادشاه شدت گرفته روز بروز روابط دولت با ملت سردتر و تیرتر میشد عیلام روسای سیاه هم دلسرد و مایوس. سیاهان نیز همه ست و بیکار شده بودند در خلال این احوال اسف اشتغال «آزدبک» وزیر آزدبک که یونانیان «هارباکس» میگویند قلباً از اوضاع کشور و احوال شاه دلشکسته کم کم خود را به دلسردها تسلیت ساخت. بالاخره در یک مجلس خصوصی برای خلع سلطنت از آزدبک پیمان بستند و همه امضا کردند.

در این هنگام کامبوزیا داماد آزدبک حکمران پارس و عیلام بود. کوروش پسرش که دختر زاده آزدبک باشد در لیامت و کفایت و رشادت شهرتی بسزا پیدا کرده بود. و آزدبک سابقاً صحرانما واجیع و نفرت عمومی از اوضاع آزدبک و تنابیل بزممانداری او را کراتی رد و بدل ساخته بود در مجلس پیمان مذکور نامه به امضای تمام ملتین بکوش میبوستند و بوسیله «دیو» به پاسارگاد که مرکز کشور پارس بوده میفرستند او را دعوت میکنند که با منتصر سپاهی خود را بجوای ایاتان برساند که لشکر ماد او ملحق خواهند شد. کوروش که یونانیان او را «سپروس» میگویند در اوستا «گوی هوسرو» مذکور است «کیسروس» پس از خواندن نامه با سران و سرداران سیاه پارس و عیلام داخل مذاکره شده بالمشکر پارس و عیلام رهسپار ایاتان میشود.

آزدبک بعضی ششمن این خبر که نوه قصد کشور جدا کرده است سیاه انبوهی بدرگدی آزدبک وزیر خود که تمهید دستگیر کردن کوروش را کرده برای سرکوشی کوروش میفرستد آزدبک در حله دوم خود را منظر ساخته با لشکر ماد بکوش ملحق میشود آزدبک از این پیش آمد غضبناک شده خودش شخصاً با سپاه دیگر بجانب کوروش حرکت میکند. در آغاز جنگ شکست میخورد. خود را با ایاتان میفرساند و در ناله ایاتان متعین میشود. سیاه کوروش ایاتان را محاصره میکنند و بالاخره وارد قلعه شده آزدبک دستگیر و دولت ماد سقوط میکند. و تمام طلا و نقره و جواهرات ماد به عیلام حمل میشود. کوروش در سال (۵۶۰) ق. م بر تخت پادشاهی پارس و عیلام نشسته. و در سال (۵۵۰) ق. م همان را فتح کرده است. کوروش پس از تصرف همدان کواکسار دوم پسر آزدبک را که دالی کوروش میباشد مقام سرداری سیاه داده و «اسبتوی» دختر آرتیسا داماد آزدبک را هم که یونانیان «آرتیبارس» میگویند دختر خاله کوروش است بزنی میگیرد.

کوروش تمام تشکیلات ماد را بطوریکه سابق بوده بحال خود باقی میگذارد که تصور مفارقت و دوگانگی نرود و تمام سران و سران ماد را نوازش میکند و اکثر آرتیقا میبهد کوروش از هر حیث وسایل و موجبات یکسانی دو گروه «ماد» و «پارس» را که دو بازوی توانائی خود ممرئی میکنند فراهم آورده و تساهله است که کوروش برادر این وحدت و یکسانگی حکم فرموده است نیت الا زهریه صلحه (۵۶۰)

یک قرن پس از سقوط دولت ماد باز کله «ماد» بجای (پارس) استعمال شده است. پیرنیا صلحه ۵۸ که مادها بر بار استعمال کله پارس یا جمله ماد و پارس زنده اند و کله تواریخ خارجه و داخله انتقال سلطنت ماد را پارس یک امر داخلی میدانند که بدست خود مادها این امر رخ داده «نوه بجای نیا» نشانه شده پس بجای فرزند شاه ماد نوه شاه ماد بر تخت ماد نشسته است و چندان تاثیر تاریخی بآن نمیدهند حتی این تغییر را مطلقاً سقوط دولت ماد میدانند چه میگویند سقوط دولت ماد با اطلاق کله «ماد» در دولت کوروش منافات دارد. حتی در زمان «داریوش» هم دولت کوروش را دولت ماد گفته اند چنانکه در توراها در کتاب عزرا فصل ششم مصرح است که با ریختن کوروش را با ریختن کشور ماد میبوسند. کشور پارس با کشور ماد و پارس. بالاخره پس از مرور یک مدت طولانی ادیبی پارس باین فکر افتادند که اطلاق دولت «ماد» بر کشور «پارس» بر تخت آن جلوس دارد و روی ندارد. از طرف دیگر هم رعایات مادها که دست اعظم بودند میسر بود که کله ماد مجید به پارس شود یعنی کله ماد ترک شود و بجای آن اظه پارس بشینند تا چار باتفاق هر دو گروه جمله «ماد و پارس» استعمال یافت با شرط تنعم نظر ماد بر پارس چنانکه در کتب عهد عتیق هم بویس ترتیب مذکور است. کتاب استیر فصل یکم اب ۱۹ و ۱۸ و ۱۷ - و فصل ششم آیه ۷ و ۱۲ و فصل هشتم آیه بیستم پس از مدت دیگر باز روسا هر دو گروه فکر کردند که جمله «ماد و پارس» علاوه بر اینکه طولانی است همیشه در موقع استعمال هم توله ایهام دو لانگی میکند. نظر باینکه هر دو گروه آری زاد هستند کله «آریان» را که فصل

اثر طبع هزار

در مدح نامه کوهستان

نامه کوهستان گوته ستیزی تو. ورشی بر شنگدای له هه ردوبو
شوه ز منگی کورد در دونه هانی. استیزی به غنی تی داهه لانی
نونه و استیزی هه اسی به پارشو. موزدهی روز مندی راپه رین له شو
نونه و استیزی پاولت بروانی. چه نه و پیوه ده ربه بیارن لانی

پورتوک په دی بیروزه بیروز. واژدار و چوسور له توکل وهوز
سبه ری بال له همر سکس بدا. وازی له جی بی آوات ده گسا
سیرغی کوردی نوی. بهوی شابل. ده کی بی بالان له سه ز لان زال
بازی و رودی بو کوردی هزار. کوندی بودگی خوین زی زودار

کوهستانی خینی سی. هوا کانی. بونوی کوردان کانی. و کانی
دستان که روی جلی کوردستان. شویبا. بیرون رو بروی کوهستان
که به غروسیه ای بیست ساله جووه. ها خوده سه یته باوشی تووه
هه تا تومنان هه شه مر چانه. کی ایان شه گری برو هه هانه

کورد. کوهستان په اوته بوا. له سه نگانان دامان و برانته
کوهستان پانی کوا هسان له شو. بوی هسه باز رو بروی سکس و
ها واری توپه له پانه شه کت. پوت ته خت ده کوریکسه شه کت
کوهستان بو کورد هومیدی و قلا. خوات پاریزی له ده رد و به لا
فر ستاده ار بوکان عبدالرحمن شرف کندی

بپه در صلحه

از سفر
نظم آقای ذبیح افه دهنور

مضمرسی نامه کوهستان

سوال از دولت

آیا سفر جزء ایران سنقری ایرانی هست یا نه؟

هشتاد هزار نفر در این مرز و بوم زندگی میکنند بمقدین ادب و اقتصاد - کرمانشاه در غرب خطه مازندران کلپاتی لیستان ولایت بهاری ندارد پسز شک درست و حسابی ندارد چه خاکی سر بریزد یکی بنام بیرند آقای دکتر دفتری پس از کلمات زیادی که سالها اهالی دادند بزرگ خوانده و اگر بنام رئیس بهداری شهرداری و میارستان شریف داشت از دفتر منتقل نمود از این حیث خیال مردم ناعنی راحت شد که دیگر بجای معالجه آدم کشی نشود ولی برداشتن آن تنها کافی نیست اعزام بزرگ بهتری ضرورت دارد زمستان گذشته چندین صندوق ادویه گران بها که دولت آنرا با خون دل تهیه میکند برای سفر فرستاده چون بزرگک نداشته دست نخورده مانده بود و هر چه داد زدم عیالتان تحت نظر کیسیون منبری از رؤسای دولتی و کارمندان انجمن و - متصدین محلی این دوا تحویل بکنفرامین داده خود قبول نکردند .

پس از عمل طبیب زاده آقای دکتر دفتری دواها را برد بکرمانشاهان البته باید برگردد البته باید ملت سنقر کلپاتی از آن بهره مند شود ملت این سرزمین و ولیران واقعی هسته اهالی این بخش مع دولت و ملید ملت هستند باینها حرام است باید بصرف مخصوص خود برسد آیا وزارت بهداری صلاح میداند ببرد باین دواها را که برود و چرا دوباره به - کرمانشاهان برگشت نه آبا می توان ما و ایرانی ندانست .

دولت امسال خریدار جو نیست
آگهی از طرف خواربار ستقر منتظر هم که بهای هر تن کندمرا دو هزار ریال معلوم کرده و جو را مطلقا خرید نیکنند در حالیکه بهای آزاد فعلی کندم تنی سه هزار و سصد ریال است البته از این بید غریب و فروش آزاد میشود . آنوقت است که ذارع بدبخت با هزار جور تحلیلات مالا یطاق وقتی وجه خالص بچیب رفته خود را حساب کندیش از یکمن سه ریال نیست جو هم که نصف مصصول ذارع را تشکیل میدهد خریدار ندارد اجناس دیگر هم که دو روز بروز کراتر میشود تکلیف ذارع و مالک بدبخت چیست نده حساب کامل آنرا کرده در شماره بده پرس میرسانم .

هیجان عمومی هنوز دوام دارد
اضطراب و تشویشی که سالکین راجع بهالیات بردرآمد دارد همچنان عمومی که از اینجبت پیش آمده واسعه اشعارات ساده هنوز دوام دارد مردم درک معیط بسیار تیره مانند اجساد بیروح خانها -

میزین املاترره گشان را خنده

زمنان گذشته هفتی پیام مسیرین دعوات وارد اینجا شده و نگار برداشته حالا چه شلم شوربها چه نظره های غیر عادلانه چه اقدامات خارج از روه کرده اند بعضی است جداگانه ولی علت اینکه کار ده ر زه و تاکنون تمام نکرده اند شاید خواننده عزیز بهتر از بنده تشخیص داده اید بره گشان وو بنده هم باشم بی میل نیستم این مسیرین آمده اند تشخیص بدهند فلان ملک چند در آمد دارد مقیاسی بدست دولت بدهد آیا در درآمد خود آنها و امثال آنها هم میری میشود یا فقط درآمدی که معلوم بچون ملت باشد مشمول مالیات میشود درآمد های بی زحمت و خون ملت را از مالیات معاف کرده اند .

شاخ شماری مضطرب
هر چند ایران سرزمین عجایب و - غرائب است و چندان عجیب نیست بنام مالیات احتیام دامپزشکها هم کلاه سر رعایا گذاشته مالیاتی بچیب بزنند ماشا الله در اینجا این اول هم بظهور رسیده .

دادگاه - دادگاه
ایشل شهرت دارد که وجود نامس از عدم محض بهتر است ولی در مورد - دادگاه بخش ستر مفهوم مخالف آن حکم فرامست مشمول جمع آوردن دلیل هست تا این موضوع را کلام مرز نام دادگاه جدید التاسیس ماسکی بظلمین نکرد سهل است باعث تجری ظالمین شد آقای حاج سید جواد اخوی معروف بتاوی داغی از فراق خود در دل موم اهالی نهاده که که مگر با وجود عزیز خودش آنرا التیام دهد رفتن ایشان باعث شد که دادگاه بصورت فعلی درآمد .

آقای مدیر محترم روزنامه کوهستان
مغف بنده در جات شماره ۲۰۰ - ۲۱۸ ۲۴ آن نامه ملی راجع شکایت آقای محمد و شید کنای جهت رسیدگی بصوبوع دستور تا کفرانی بهک مستر زاندار میری سندیج مادر گردید خواهش داشتم تا کی را بهک مذکور زاندامی فرمائید فرمانده زاندار میری کل کشور مرتب خسرو پناه کوهستان - از توجه مخصوص اداره

آگهی حصر وراثت
بناریخ ۱۸/۴/۱۳۲۴ - آقای غلامرضا (رری باقی) به شناسنامه شماره ۳۳۱۸ باستاد بکیرک گواهی نامه رونوشت شناس نامه دادخواست بشماره ۱/۲۴ ۴۳۳ داده به اینکه مرحوم بانو بتول « میرزا حسن » دارنده شناسنامه شماره ۲۰۰۶۶ در تاریخ ۱۳۲۴/۲/۱ در تهران جایگاه همیشه خود وفات یافته و متقاضی شوهر و آق بان محمد (رری باقی) شناسنامه شماره ۱۵۵ و محسن « زری باقی » شناسنامه شماره ۸۴۰۰۰ بود « زری باقی » شناس نامه شماره ۴۶۶ و « احمد زری باقی » شناسنامه شماره ۱۱۶۴ پسران متوفی و وراثت منحصرا میباشند پس از شنیدن گواهی گواهان مراتب سه نوبت متوالی ماهی یکبار در روزنامه رسمی کشور شاهنشاهی و روزنامه کوهستان آگهی میشود با گذشتن مدت سه ماه از تاریخ نشر اولین آگهی و نبودن معترضی بر حسب تقاضا اقدام خواهد شد و نیز اگر کسی وصیت نامه از متوفی دارد در ظرف مدت مزبور ابراز و الا هر و میر نامه بر از رسمی و سری ابراز شود از درجه اعتبار ساقط خواهد بود

رئیس کل دادگاههای بخش تهران
امامی اهری

آگهی حصر وراثت
بناریخ ۵/۴/۱۳۲۴ - آقای جهان بخش (ارجنده) شناس نامه شماره ۱۲۹۸/۴۸۴ باستاد بکیرک گواهی نامه و رونوشت شناسنامه دادخواست بشماره ۱/۲۴ ۴۶۷ داده باینکه مرحوم ابراهیم ارجنده دارنده شناسنامه شماره ۳۶۱ در تاریخ ۲۴ مورماه ۱۳۲۳ در تهران جایگاه همیشه خود وفات یافته و متقاضی و آقایان نادر و هوشنگ و امیر پسران و بانوان نغمه الزمان و مهین بانو ارجنده دختران و بانو طلیعه ارجنده زوجه دانی متوفی و وراثت منحصرا میباشند و بعداً بانو طلیعه ارجنده دارنده شناسنامه شماره ۳۷۸ در تاریخ اول فروردین ماه ۱۳۲۴ در تهران جایگاه همیشه خود وفات یافته و آقایان جهان بخش متقاضی و نادر و هوشنگ و امیر ارجنده پسران و بانوان نغمه الزمان و مهین بانو ارجنده دختران متوفی و وراثت منحصرا میباشند پس از شنیدن گواهی گواهان مراتب سه نوبت متوالی ماهی یکبار در روزنامه رسمی کشور شاهنشاهی و روزنامه کوهستان آگهی میشود با گذشتن مدت سه ماه از تاریخ نشر اولین آگهی و نبودن معترضی بر حسب تقاضا اقدام خواهد شد و نیز اگر کسی وصیت نامه از متوفی دارد در ظرف مدت مزبور ابراز و الا هر وصیت نامه بر از رسمی و سری ابراز شود از درجه اعتبار ساقط خواهد شد .

رئیس کل دادگاههای بخش تهران . امامی اهری

آگهی حصر وراثت
بناریخ ۱۳/۳/۱۳۲۴ - بانو هدم (مرشدی) شناسنامه شماره ۶۵۰۱ باستاد بکیرک گواهی نامه و رونوشت شناسنامه ۸۵ رونوشت قیم نامه دادخواست بشماره ۱/۲۴ ۲۳۸ داده باینکه مرحوم مشهدی محمد قهوهچی دارنده شناسنامه شماره ۶۵۰۲ در تاریخ ۱۳۲۳/۳/۱۲ در تهران جایگاه همیشه خود وفات یافته متقاضی زوجه دانی و آقایان محسن شناسنامه شماره ۳۷۹ و اصغر شناسنامه شماره ۳۷۸۴۷ و رضایت شناسنامه شماره ۲۶۸ پسران و دوشیزه سرور شناسنامه شماره ۴۲۵۷۶۶ دختر متوفی و وراثت منحصرا میباشند پس از شنیدن گواهی گواهان مراتب سه نوبت متوالی ماهی یک بار در روزنامه رسمی کشور شاهنشاهی و روزنامه کوهستان آگهی میشود با گذشتن مدت سه ماه از تاریخ نشر اولین آگهی و نبودن معترضی بر حسب تقاضا اقدام خواهد شد و نیز اگر کسی وصیت نامه از متوفی دارد در ظرف مدت مزبور ابراز و الا هر وصیت نامه غیر از رسمی و سری ابراز شود از درجه اعتبار ساقط خواهد بود .

رئیس کل دادگاههای بخش تهران . امامی اهری
زاده مری کل کشور بشکایات تا کنین مناطق کرد نشین صیبا نشکر مینابیم امید است این همکاری صادقانه اثرات بگویی در برداشته باشد .

نامه ها و تلگرافات وارده

از سندج
آقای محمد علی دامالی راجع وضعیت استخدامی خود و معالجهای که در طی سال خدمت به دولت از طرف بعضی از مسئولان نسبت بایشان شده شرح فعلی نگاشته اند ما برای استحضار از جگونگی کار ایشان و بامید اینکه بتوانیم گرهی از کار ایشان بگشاییم با ادارات مربوطه مرکزی مراجعه کردیم متأسفانه بامورداتی که بر روی آن عمل میکنند هیچ راهحلی برای کارهای گذشته نیافتیم استحضار داریم دوسای فعلی با آنهاییکه بعداً خواهند آمد نسبت بکارمندان خدمتگذار رویه غدا - شناسایی معمول دارند بدین است ما هم سعی خواهیم کرد اگر مراجعات دیگری باشند از وجود راه کاری ساخته ناشداز کمک و کوشش مضایفه نتایجیم.

از سندج
آقای ع. آشنا شرح مفصلي که راجع بحایات رستم مولیان نوشته بودید معلوم بود؛ حایات وفق دارد در ساتت سویدم از اینها بالاتر از راه رفای دیگر شای که از دست این جانوران بشیر خوبی دارند بمانوشته اند همه از دان اطلاعات جامع و مفید بنا خود داری انکند و مطمئن باشید در راه خدمت ما از هیچ اندامی حور دروای نداریم تنها به نوشن قناعت نمی کنیم در آنچه روی خود دیده که خدمت کوشش به ترجه خواهد رسید. معیط هر قدر فاسد باشد و هر قدر هم منسده جوانان بخواهند اکثریت تشکیل دهند در مثال سیل افکار اصلاح طلبانه عمومی قادر بیاومت نخواهد بود بنویسید افکار

خوب را ترویج دهید، خائنان را رسوا کنید برای پیشرفت در هر کار قدری فعالیت لازم است. هیچ دزدان را باز کنید بی اثر نموده بود. ما نظر اصلاح و خدمت داریم خداوند هم با ما همراه است.

از قزوین
تلگرافی بانامی: محسن مالکسکی نصرت مالکی - کرم علی ویدافه مالکی رسیده شکایت میکنند که:

چند روز قبل هادی نام پدر فرویدان پس از طی هشتاد سال عمر و ۲۶ روز بستری بامرض طبعی زنده ثانی را بدرود خدای آقای احمد رفیدی مالک شکوه آباد بنسبیت اغراض شخصی بادیگران و استناد نامشروع از وقتیت زمین المابین که یکی ارار: ش آبادی است و ادا رسیده که فوت پدر ما و: بل سبیل و اتهام آنرا بیک عده رها: ما مورد اغراض خود داده در نتیجه تعینات کامل مامورین بخشاری و صلح و زانداری قروه انشاء و در سبب روشن سپس مالک نامبرده آقای بلزیری و پزشک را بعلل آورده و مجدداً با در آوردن عش از غیر و تعینات: روی و معرزشدن افتراء آبرو و حیثیت شانندان فدویان را بیاسال هری و هوس خود خود نموده کسی نیست از مشاور ایه مشرف که آبا آقای رشبلی قومی بادیرویدویان دارد که بنام مدعی خصوصی اقامه دعوی نموده و بنا بر یاد بگریان عرضی دارد چرا قتل پدر فدویان را بیسرفراز میدهند و چرا فدویان را تهدید میسایند.

در پایان تلگراف از رسیدگی و توجه

مامورین اظهار رضایت نموده اند. کوهستان - از انصاف مامورین که من ضما را حفظ کرده اند خوشوقت و امیدواریم در تمام مراحل این رویه نیک و شرافتمندانه را ادامه دهند. حسن ندردی نکرده همانطور که اعمال زشت مامورین بیع میشوند کارهای خوب را هم قدر دانی می نایند.

از سقز
دردی و سوء استفاده در اداره فله و ان سقز بجای رسیده بود که اطهران دو نفر بسازرس برای رسیدگی اعزام گردید.

از قرار اطلاعات و نامه های متعدد که رسیده مدارک قاطعی بدست آورده اند و عده زیادی دزد بهای چند نفر را در این مورد ثابت کرده اند.

شایع است آنچه فلا بنه نین پیوسته در حدود مبلغ یکصد و هشتاد هزار تومان بجهت زده شده و برای مسکوت که اردن لقبه تا میزان چهل هزار تومان حاضر شده. آنچه سبیل بازرسان را جرب کنند و با بگفته قبل بازرسها مقاومت نموده همچنان پرونده نظیم را حفظ کرده اند.

گذارش های مختلفه دیگر هم از طرف هدهای اداره فله و نان تهران داده شده می شایه و مشخصات توراتی پرونده ما هم در آن قید گردیده این کیفیت با معذاری که در این باب نیز در بایگای نامه کوهستان موجود است اگر هدهای کرده بازرسان قدری از جاساه تعینت متصرف شوند با تعارف آنان فوراً نمایان خواهد بود.

چند نفر از خوانندگان از کرمانشاه، از مستند و از سر پیشهاد نموده اند که اظهار مبررت خواننده گان در روزنامه درج نشود (برابر واضح است که سوم اگر ۵ و کسانی که حسن وطن پرستی داشته باشند از انتشار نامه کوهستان شاد و مسرورند. کوهستان اگر کتابه حال اظهار مسرت خواننده گان ارجیند در نامه کوهستان درج شود. برای کتب و جهت و با خود نمانی بوده فقط برای این بوده که بی خبران و آنهاییکه شهرت می دهند نامه کوهستان در میان افراد محب وطنی ندارد و هاشان بسته شود. حل که دیگر این باوره سرائی هم خانه نامه ما هم پیشهاد خوانندگان را مورد توجه قرار داده جای نوشن در روز نامه که گمانیه از این راه بخواهد ما را نشوین کند متأسفانه وسیله نامه جواب خواهیم داد زیرا دو غیر این حال از ادب خارج است کسی اظهار محبتی بکند و به محبت او جواب داد نشود بدین است اگر نامه بانگ کرامتی از ضای هدهای برسد که خبر از اظهار مسرد مط لب دیگری را می دهد. داشت و از لفاظی شیرین باشد بدینضای وقت چاپ خواهد شد و البته خواننده گان هم از این باب که مندن نخوا

طیارات بحایات خود ادامه میدادند گروه آزاراتنها بیته عظیم یک هواپیمای خورده آفرامیجور بارود آمدند در مصنفه ترکها نمود یک پادان از سواران ترک برای محافظت هواپیمای حرکت کرد و در پشت تپهها از نظر ناپدید گشت.

چنگ تا این ساعت مسا میز بود ولی چیزی نگذشت که فرمانده کرد از جریان قضایا آگاهی حاصل نمود

شب قبل قوای ترک کان کورک را گرفته مترصد بودند نزدیک صبح حمله کنند.

هفت تاراج بجهتین کرده معسلهای بانی بصر کوبیک بروی مسکی و ملامح افه که یکی از فدایان ملی و دینی گرد بود و در مسجد آگری غلبه بام لیت کرد معسله از داخل تر کپه بر میگشتند نزدیک صبح وارد کانی کورک میشوند در حین توهه درده بین آنها و چند سرباز ترک زد و خورد در میگردد چند سرباز کشته اسلحه ه نشان را گرفته بطرف اروانات حرکت میکنند

هدای این چند تیر وحشت و طائفه در سربازان انداخته شروع سیرانه از میگردد.

از دهاتیهای بجاره سه مرد درده و سه زن و یک بچه چهار ساله در اتای فرار از عقب با شلیک مسلسلها کشته دومرد و یک دختر بچه ساله هم مجروح میگردد.

برادر وزن حیدر اسمعیل بیاس مهمان نوازی چند روز قبل در صلح کشتگان فرار میگردد.

هدای از سواران کرد مامور شده تعلقه حساس و مهم سوق العشی را در شب کرده بلند آگرس اشغال و حفظ نمایند زیرا در هر شتون کشی اولین هدف حمله ترکها این نقطه بود تا از این راه منطقه میان کردها و شکب طرف ایران را اشغال و هوای آزارات را معاصره نمایند

دهات آزارات تبلیغ زن ها و بچهها بیگانهای مینه رفتند

هواپیمای ترک در آسمان آزارات شروع پیراز نموده با بس و آتش مسلسل های خود بر روی زن و بچه ها میکوبد های اجل میزدند.

فرمانده کرد با بروی مسکی و بازده اثر بیانه در جای خود مانده حرکات دشمن را ناشایع میکردند حرکات نوای دشمن طوری بود مسکه معلوم نبود هفتان حیثیت و یا کی میبندند

توپهای روی تپه های دور از خط سرحدی مرضع گرفته بپادان سوار در همان حوالی در رفت و آمد بود. بیانه نظام دیده نشد و گواه های مسلسلها هم متوجه آزاراتنها سرد جنگ شدید در استقامت کانی - کورک بود.

عجب این بود که کانی کورک فقط دارای ۲۵ خانقار جبهت مطیع دولت بوده و با اجازه دولت هم در آنجا حرکت اختیار کرده و در آزاراتنها کاملاً مطیع باشند که آنها بر علیه دولت گزینند انامی نموده اند و متوجه این نبوده که هر دره قوای درونی از آن گرفته. سربازان انتظار بماندند دود غلیظی از کانی کورک بلند شد زنها و بچه های ده بیرون رفته بنای درون را بسوی آزارات گاردند داخل حدود آزارات شده و بنطقه شیخ هده المان که مطیع دولت بود فرار کرده پناه بردند

کوهستان

محرک از سنج

قردانی

حمیت کبیری لشکر کامل خود و از مزهدت آقای جعفرخان کورس میباید در باجه آن جریده خواستارند که با درج عین قردانی در اولین شماره کوهستان که رابطه مدنیان را گراد دنیا است نمونه کامل نمایس عالی کردی نامبرده را مستانند عباس آزادپور

فرهنگ در کردستان

پایه از صفحه ۳

هر حوزه معارفی مانند سایر تشکیلات اداری باید از حیث سازمان معارفی نیز تشکیل گردد. معارف پایینی برای کردستان شماتت سه گانه متوسطه را دار کند کواستیکه سالمی اول به تدرکافی محصل نداشته باشد.

بهتر است اداره فرهنگ مطابق یک دبیرستان کامل تهران بوده معلوم. جا برای کردستان اختصاص داده و دبیران و از لحاظ مسکن و است نگهدارد و از هم اکنون که سه ماهه سال تحصیلی در راه است این عمل باشد و بعد بنام نداشته بود. نبودن دبیر و محصل دانش آموزان را و ادار بشرک تحصیل با مسافرت بشهرهای دیگر ننگین بر کلاس طبیعی یا نواقص اداری مذکور کاری از پیش نمی برد.

امیدواریم این قسمت مورد توجه مخصوص نمایندگان محترم ما واقع گردد. وزارت معارف بجای اعزام سخن و زبان ویژه و زاده ۱۱ و این قبیل صرف مخارج بشکر اساسی بوده با هل و اتان. مأمورین کافی - بعصر - دانشوز تعلیم و تربیت معصلین ما را منظور نظر نباید و خود را منتظر خواندن نامه های ظاهر آواسته و تشریف آمیز گذارش دهندگان کرده و یا مارعه دی محصلین. تعداد تدریسیهای صادره اساس کار خود را نسیم بوده معارفی و سازمان آرا اختصاص ندهد. واقعا فرهنگی با اسلوب بسته دیده و عملی در این خاک پهناور از هر حیث تأسیس و تکمیل نباید.

دو خانه باید گفت که برای دفع ناراضیانی قاطبه اهالی کردستان سر و صورت صحیحی بوضع مدارس دینی بدهد و باین عمل موافقت خود را با ۳۵ میلیون مسلمان دنیا از لحاظ تعلیم مذهبی در نظر بگیرد زیرا با تصرف و مصرف موقوفات و مساجد از طرف مأمورین معارف و اوقاف خیلی انتظار بجا و یعنی بوده هیچ دلیل و منطقی قبول نمی کند موسسات مذهبی و کسبیکه باید بتعلیم و تعلم امورات مربوط بدین و مذهب بپردازند بطرز تغییرات شیه بگدالی زندگی کنند باین بود اصل کلی نواقص فرهنگ هر گاه درست جریان داخلی آنرا از نزدیک تحت مطالعه قرار دهیم. نتیجه پاره معایب میشود سکه ذکر آن مایه می اطمینانی از آبه تعلیم و تربیت بوده و باین جمله میرسیم عدم تصحیح درست بیت المال بدست ادعا کنندگان معرفت و وزارت تربیت نسل آینده بشری باعث سلب اعتماد از آینده خواهد بود.

نامه کوهستان

روزهای دوشنبه منتشر میشود

آبونان سالپانه ۲۰۰ ریال
تک شماره ۴ ریال
محل اداره

شعبان به لوی و بروی کوجه بیارستان و ذبری

تلن شماره ۸۵۳۹

اوقات مراجعه هر روز صبح از ساعت ده تا ظهر (غیر از ایام تعطیل)

اگراد چه میگویند

پایه از صفحه ۱

ما این حقایق را مینویسیم تا مانند این بازیهای کودکانه دیگر نیگیرد و این نه های نامر سازی دیگر کسی ندارد و اینون بی جهت انتشار نمود ملت ایران را در پیاره و با بح کردستان مشوش نبود ما مینویسیم تا مشت آنها کملا باز شود ما مینویسیم که دیگر کسی نتواند بدله واه خود بر برادران کرد ماستبدانه و ملذذانه فراروائی کند.

ساکتین کردستان میگویند ما ملل این ملکیم. زانیه این آب و خاکیم در این جا باید زندگی کنیم و در همین جا هم باید بگذریم برویم لذا تا موقعی که زندگیم باید شرایط داده زندگانی کنیم.

دم میگویند ما طالب عدل و انصاف و مطیع قانون و مرزات ملکیم. در مقابل قانون سر تسلیم فرود میآوریم.

لی شخص تسلیم نیشویم و امر قانونی ما موردین دولت را اجرا میکنیم ولی بشاپلات شخصی آمان وقتی نیگنداریم. اگر قانون مارا محکوم بمرگ کند میبریم ولی اگر شخصی کوچکترین توهمین با بکند دعایش را حواری میکنیم.

آیا دولت هم از ملت پیش از این باید متوقع باشد؟ سکوت و مسامحه دولت هستی مردم و حیات کشور را بیخاک میاندازد.

در مورد کیردستان دولت باید در اسرع وقت تصمیم کوچکی گرفته باین شکایت مردم و باین ناراضیها خانه دهد.

کرد و کردستان

پایه از صفحه ۱

مشترک است و عقی السویه بر مرد و اردو ماد و پارس اصلاقی میشود برای کشور کورش انتخاب کرد. پستی بجای جمله دولت مدو پارس بگله (مرد آریان) آورد اسمال یافت که پند برورد و مرد آریان تصحیف شده ایران تصحیف کردید تاریخ هومی اسد وفق صفحه ۳۱۳ - بعور انتشار کلمه ایران. چنانکه تواریخ دنیا نشان میدهد از مستعدتات اواخر قرن چهارم پیش از میلاد است که بر کشور ماد و پارس و تواج آن اخلاق شده و بیشتر از آن تاریخ سابقه استعمال ندارد و ما بهین دلیل است که میگویم وجود کرد در ایران شرط صحت استعمال صله دایران است و اگر کرد در ایران نباشد مانی نیشاند که آن را در کشور پارس و بخوانند و از ملت کرد صرف نظر کنند.

کورش همانندی است از طرف ماد کرد است و از طرف پدرا زقیبه پاساره گادی است که یکی از قبایل پارس است و شهر پاسارگاد بر طبق روایت مردوت با نام این قبیله مسمی شده که در آجاسکو و داشته اند کورش یکی از نواع دیالامت و در نوزاد او را بلقب «مسیح» ذکر می میکنند کتاب اشیاء نقل ۴۵ - اصل اسم او در آگراداد است یعنی آتش داد. از قبیل خداداد منیره او دویکی از فراه مرغاب است که شهید مادر سلبان معروف است کتبه از کوردر شیط میخورد آبیامتوش است مدت سلطنت او تقریباً سی سال است.

آنگی

بانک ملی ایران برای اینکه تمام اهالی شهر بتوانند با سرعت وقت مراجعات بانکی خود را انجام دهند علاوه بر شعبه مرکزی و شعبه بازاو پانزده باجه در نقاط مختلف شهر باز کرده است.

این باجهها حلیات ذیل را مانند بانک مرکز انجام میدهد:

- ۱- باز کردن حساب جاری.
 - ۲- باز کردن حساب پس انداز.
 - ۳- قبول برات همده شهرستانها و تهران برای وصول.
 - ۴- صدور حواله پستی و تلگرافی همده شعبها و نمایندگیها.
- بانک ملی ایران در پیامده و چهارده شهر ایران شعبه و نمایندگی دارد. بانک ملی ایران که یک بنکگاه ملی ایرانی است کورش پند از هر جهت وضایت مشتریان محترم خود را جلب بنماید و از این جهت از هموم آنها تنسی میکند چنانچه مختصر عدم رضایتی از حلیات بانک و با سلوک کارمندان آن داشته باشند مراتب را فوراً بریس شعبه و یا با اداره بازرسی کل در اداره مرکزی، خیابان فردوسی اطلاع دهند در تمام باجه ها و شعبها و نمایندگیهای بانک متروان حساب پس انداز باز کرد.

متذوق پس انداز ملی در هر سال مبالغ عمده ای بر رسم جایزه بین داریگان حساب تقسیم مینماید. ش. ۷۲